فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، سال سی و دوم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۶، شماره پیاپی ۱۲۷

ستاره مهرورز، دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه فردوسی مشهد **S. Mehrvarz**
دکتربراتعلی خاکپور، دانشیار، گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه فردوسی مشهد **Dr. B. Khakpoor**
دکترمحمدرحیم رهنما، دانشیار، گروه جغرافیا، دانشگاه فردوسی مشهد **Dr.M.R. Rahnama**
Smehrvarz2002@yahoo.com

آسیب‌شناسی مشارکت مردمی در نوسازی و بهسازی بافت محله آبکوه شهر مشهد

دریافت مقاله: ۹۶/۴/۲۳ پذیرش نهایی: ۹۶/۸/۳۰

DOI: 10.29252/geores.32.4.30

چکیده

گذر زمان و تجربیات به‌دست‌آمده از اقدامات مختلف بهسازی و نوسازی در شهرها و کشورهای مختلف، نشان داده است که روند بهسازی و نوسازی بدون مشارکت مردمی و عدم‌مداخله آنان، نمی‌تواند به نتیجه مطلوب بیانجامد و ضروری است در این امر، مشارکت مردمی و نقش و جایگاه آنان در فرآیندهای مربوطه، مدنظر قرار گیرد. در این پژوهش، برای بررسی موضوع مشارکت مردم در بهسازی و نوسازی بافت محله آبکوه کلان‌شهر مشهد، و شناخت واقع‌بینانه از وضعیت موجود، از تکنیک سوات[1] و شناسایی نقاط قوت، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدهای مشارکت مردمی، استفاده گردید. اطلاعات از طریق سؤالات باز و از طریق مصاحبه با ۲۰ نفر از کارشناسان و خبرگان، گردآوری گردیده است. نتایج بررسی نشان داد که گرچه در این محله، فرصت‌های زیادی همچون «موافقت با اجرای طرح در محله در صورت مشارکت مردمی»، «بالا بودن مشارکت غیررسمی در محله (فعالیت شورای محله، سطح بالای مشارکت در امور مذهبی و خیریه و ...)، «وجود حس مشارکت در درون محله»، «تعلق مکانی جمعیت ساکن و تمایل به ادامه سکونت در محله» و «توجه به رویکرد مشارکت مردمی در طرح تهیه‌شده» و ... وجود دارد، اما در کنار آن، نقطه‌ضعف‌های مختلف موجود در محله مانند «عدم تدوین سازوکار و شیوه‌های مناسب و نهادهای مشارکتی»، «تعدد سازمان‌های متولی موضوع (آستان قدس، سازمان اوقاف، شهرداری و ...) و نبودن مدیریت یکپارچه در اجرای طرح»، «مشکلات مالی خانوارها در محدوده و پایین بودن سطح درآمدها»، «عدم اعتماد به مسئولین و احساس ترس از مشارکت رسمی» و «عدم حمایت دولتی و قانونی از تشکل‌ها و شوراهای محلی» و غیره سبب شده است که نتیجه مطلوب در این زمینه حاصل نگردد. در این راستا، راهبردهای مختلفی جهت افزایش مشارکت مردم در طرح ارائه گردیده است. لازم است مدیران و مسئولین طرح، به مشارکت واقعی ساکنان توجه بیشتری نمایند و متناسب با شرایط و ویژگی‌های ساکنان بافت، سازوکارها و الزامات مشارکت مردمی را در اجرای طرح فراهم آورند.

واژگان کلیدی: مشارکت مردمی، آسیب‌شناسی، بهسازی و نوسازی، محله آبکوه شهر مشهد

1SWOT

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.29252/geores.32.4.30]

مقدمه

امروزه افزایش جمعیت، گسترش افقی شهر و عدم خدمات‌رسانی جدید به هسته‌های قدیمی شهر، در بسیاری از شهرهای کشور، موجب شده بافت قدیمی شهرها با مشکلات مختلفی روبرو بوده و به‌مرورزمان دچار فرسودگی شوند (اسدیان و سیاحی، ۱۳۹۰: ۱). با گسترش مساحت شهرها، بلعیده شدن روستاهای پیرامونی در درون شهرها نیز اتفاق مهم دیگری بود که سبب شد روستاهای زیادی در دل شهرها قرار گیرند و به دلیل ناهماهنگی و عدم انسجام با بافت شهری، دچار فرسودگی گردند. در مشهد، روستاهای احمدآباد، گل ختمی، النذشت، عشرت‌آباد، باقرآباد، شادکن، محراب خان ازجمله روستاهایی هستند که اکنون در داخل بافت شهری قرار دارند. یکی از مهم‌ترین این روستاها که با حفظ بافت ارگانیک خود، در محاصره بافت جدید مشهد قرار گرفت، روستای آبکوه می‌باشد که به قلعه آبکوه معروف است (سعیدی رضوانی، ۱۳۸۵، ۶۶). ازاین‌رو به‌منظور احیای این بافت‌ها و جلوگیری از فرسودگی بیشتر آن‌ها مدیران شهری اقدام به اجرای طرح‌های مختلف در شهرها کردند که بیشترین گونه طرح‌ها موفقیت‌آمیز نبودند (ملکی، ۱۳۸۳، ۲۸). عدم توجه به مشارکت مردم را می‌توان از مهم‌ترین عوامل کاهش دستیابی به این نوع برنامه‌ریزی‌ها دانست (Abdollah Zadeh, Andalib,2014:119). مشارکت عمومی، مهم‌ترین مقوله در فرآیند توسعه محله‌ای شهرها بوده است (Amado et al, 2009:599). طبق تجارب جهانی توجه به بافت فرسوده در شهرها نیازمند مشارکت حداکثری ساکنین است؛ و تنها با مشارکت تمامی بخش‌های دخیل در محدوده و اتخاذ رویکردی منطقی و همه سو نگر می‌توان زمینه‌ساز تجدید حیات یا بازآفرینی در آن شد (محمدی دوست و همکاران، ۱۳۹۵، ۲۱۶). لذا امروزه در نظام‌های سیاسی مشارکت مردم در امور مختلف به‌عنوان ابزار کارآمدی در حل مسائل و مشکلات و توسعه اجتماعی و سیاسی محسوب می‌شود (کشتکار و حاتمی، ۱۳۹۴: ۳۹).این مقاله به دنبال مطالعه شناخت نقاط ضعف و قوت و زمینه‌ها و تهدیدهای مشارکت مردم در طرح بهسازی و نوسازی بافت آبکوه شهر مشهد است. سؤال اساسی تحقیق آن است که نقاط قوت، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدهای مشارکت مردم در بهسازی و نوسازی این بافت کدام‌اند؟ و پیشنهادها و راهکارهای مشارکت شهروندان در طرح چیست؟

مسئله

مسئله مداخله در بافت قدیم بر همگامی و تعادل آن‌ها با تحولات حادث‌شده معاصر در شهرها به‌منظور سازگاری با محیط جدید موضوع مورد مطالعه بسیاری از اندیشمندان است. این امر در حال حاضر به مسئله روز شهرها بدل شده است (حبیبی و همکاران، ۹:۱۳۸۶). در این راستا، مطالعات آسیب‌شناسی مداخله در نوسازی بافت‌های قدیم از مراحل مهم برنامه‌ریزی شهری است که به‌طور سیستماتیک به بررسی و تحلیل آسیب‌های کالبدی- فیزیکی، آسیب‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در ساختار فضایی شهر می‌پردازد (شماعی، پوراحمد، ۱۰۱:۱۳۸۵). در این میان، بررسی ادبیات خارجی نشان می‌دهد که بسیاری از جوامع تلاش می‌کنند تا به‌منظور دستیابی به پایداری، اثربخشی سیاست‌ها و توسعه همه‌جانبه، بحث مشارکت، مشورت و گفتگو را در میان شهروندان تقویت کنند (شرفی، برک پور، ۱۳۸۹: ۷۸). درواقع، لزوم مشارکت به‌واسطه نقش مهمی است که افراد می‌توانند فراتر از نقش فردی خود ایفا نمایند. با توجه به عدم توان اقتصادی و مالی بخش دولتی و عمومی برای سرمایه‌گذاری و مداخله فراگیر و مستقیم در بافت فرسوده و به‌منظور خوداتکایی و خود ترمیمی کالبد فرسوده این بافت، باید مبنا و اساس طرح بر مشارکت مؤثر بخش مردمی (ساکنان بافت)، بخش دولتی و خصوصی (سرمایه‌گذار) متکی باشد. مشارکت بخش خصوصی و مشارکت مردمی در سرمایه‌گذاری و اجرای این طرح با هدایت حمایت و نظارت ارکان دولتی و عمومی شاه‌کلید احیا در این بافت به شمار می‌رود (وطن‌دوست، ۱۳۹۵: ۵۵).

مطابق مطالعات انجام‌شده در برنامه‌ریزی و مدیریت شهری ایران درگذشته، جلب مشارکت شهروندان در رفع مشکلات و مسائل شهری، کم یا تشریفاتی بوده و بیشتر اقشار توانایی لازم را برای بیان خواست خود از تشکیلات قدرت ندارند (دانشمند و

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.29252/geores.32.4.30]

نظریان، ۱۳۸۹، ۵). مداخلات صورت گرفته تاکنون عمدتاً به‌صورت متمرکز، اقتدارگرایانه و بدون در نظر گرفتن مشارکت ساکنان بوده است. درواقع، در چند سال اخیر، طرح‌هایی با روش پروژه محور (مداخله مستقیم در تملک، ساخت و فروش) در جهت نوسازی بافت‌های فرسوده اجرا گردیده است؛ در اکثر این طرح‌ها به اصل نوسازی بر مبنای مشارکت مردم توجهی نشده است و نیز به دلیل در نظر نگرفتن نوسازی با توجه به ویژگی‌های جغرافیایی منطقه، اقدامات انجام‌شده با مسائل و مشکلاتی روبرو بودند و به‌خوبی نتوانستند در جهت احیای بافت‌های فرسوده گام بردارند (آقا صفری و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۹). ناکارایی این رویکرد در نوسازی بافت پیرامون حرم رضوی نیز مشهود است (امیر احمدی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۲۵). در بهسازی و نوسازی محله آبکوه نیز گرچه رویکرد طرح بر مشارکت مردمی، تأکید نموده است، لیکن تاکنون نتوانسته است، مشارکت مطلوب مردم را تحقق بخشد و لذا جهت دستیابی به نتایج مطلوب و اثربخش در این زمینه، لازم است آسیب‌شناسی آن موردتوجه قرار گیرد.

پیشینه پژوهش

بحث مشارکت عمومی در نوسازی و بهسازی شهری برای اولین بار در اواخر قرن نوزدهم توسط پاتریک گدس در انگلستان مطرح شد، اما به دلیل خشکی نظام برنامه‌ریزی آن زمان، چندان موردتوجه قرار نگرفت. در سال ۱۹۶۹ ارنشتاین، دسته‌بندی خود را ارائه کرد که سطوح مشارکت در آن معرفی می‌شد. هم‌زمان آرتور اسکفینگتون گزارشی تحت عنوان «مردم و برنامه‌ریزی» را برای دولت انگلستان تهیه کرد که طبق این گزارش عنوان شد، برنامه‌ریزی باید منعکس‌کننده خواست مردم باشد و این امر تنها در صورت مشارکت آنان امکان‌پذیر است (ضرابی، تهرانی، ۱۳۸۸). در بریتانیا راهبرد ملی حزب کارگر برای نوسازی محلات مواردی از قبیل ایجاد مناطق با کاربری آموزشی، مناطق با کاربری بهداشتی و مشارکت‌های راهبردی محلی با تأکید بر لزوم مشارکت عامه مردم، برنامه‌ریزی جوامع و مالکیت مردم محلی نسبت به تغییر و تحولات را شامل می‌شد (پوراحمد و همکاران، ۱۳۸۹) و فعالیت‌های شهرسازی از دهه ۱۹۷۰ به بعد بیشتر از نوع روش تعاملی بوده است.

بدین ترتیب مداخلات در بافت فرسوده از دیدگاه صرفاً کالبدی و حفاظتی به بازسازی، باز زنده سازی، بازآفرینی و نوزادی شهری رسید. مداخلات صرفاً کالبدی به مداخلاتی با در نظر گرفتن ابعاد اجتماعی و انسانی مبدل می‌شود و درنهایت در بازآفرینی و نوزایی شهری، مشارکت به‌عنوان یکی از شروط اصلی مداخلات در بافت مدنظر قرار می‌گیرد از نخستین نظریه‌پردازانی که در بیان مداخله در بافت به اصل مشارکت و حضور مردم اشاره کرده‌اند، لوئیس مامفورد است. کوین لینچ و جین جیکوبز ازجمله اندیشمندان و نظریه‌پردازان قرن بیستم هستند که درزمینه بهسازی و نوسازی شهری بر اساس شهرسازی انسان‌گرا اظهارنظر کرده‌اند. به اعتقاد لینچ باید در جریان بهسازی و نوسازی شهری، برنامه‌ریزی با مشارکت مردم و مشاوره با متخصصان و هماهنگی با مسئولان و مردم شهر صورت گیرد (شماعی، پوراحمد، ۱۳۸۵: ۱۹۵). جین جیکوبز (۱۹۶۱) در زمینه بافت‌های فرسوده و قدیمی و در اصطلاح به بافت‌های مسئله‌دار مزمن به اصل روابط انسانی همسایگی و موضوع خود ترمیمی و مشارکت مردم در امر بهسازی و بازآفرینی تأکید داشت (پاکزاد، ۱۳۸۶: ۱۲۸). الکساندر (۱۹۳۶) در رابطه با بافت‌های فرسوده شهر و محوطه‌های تاریخی بر ایجاد نظم ارگانیک اندام واره یا سازمند، استفاده گسترده از مشارکت مردم تأکید می‌کند (پور جعفر، ۱۳۸۸: ۱۵). همچنین به اصولی از قبیل مشارکت مردمی، نظم ارگانیک، تعادل پایدار با معاصر سازی عناصر فرعی می‌توان به تعادل پایدار رسید و هماهنگی با سازمان اقتصادی اجتماعی محیطی اعتقاد داشت (حبیبی، مقصودی، ۱۳۸۶: ۵۰).

در باب مشارکت در نوسازی بافت‌های فرسوده شهری در ایران نیز مطالعات چندی صورت گرفته است ازجمله می‌توان به مطالعه زینل زاده و قدمی اشاره کرد که بامطالعه محله شهید خوب بخت تهران دریافته‌اند که به‌منظور آغاز فرآیند تدوین طرح و اجرای مداخله در بافت‌های فرسوده شهری به شیوه مشارکتی، اولویت با بعد اجتماعی و سپس زیرساختی، کالبدی و کاربری‌های موردنیاز محله است و اقداماتی جهت تحقق این امر پیشنهاد داده‌اند (زینل زاده، قدمی، ۱۳۹۵). پژوهش امیر احمدی و همکاران،

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.29252/geores.32.4.30]

بیانگر آن است که سرمایه فرهنگی و به‌ویژه سرمایه اجتماعی بر مشارکت ساکنان در پروژه‌های نوسازی تأثیر مثبت داشته است؛ شاخص تعهد اجتماعی، حس همیاری و انسجام اجتماعی بیشترین تأثیر را برکنش مشارکتی ساکنین داشته‌اند، اما علی‌رغم بالا بودن میزان سرمایه فرهنگی و اجتماعی در بین ساکنان و تأثیر مثبت این سرمایه‌ها برکنش مشارکتی، میزان مشارکت ساکنان، در پروژه‌های نوسازی بافت پیرامون حرم رضوی ضعیف می‌باشد که این امر بیشتر به مسئله اعتماد مرتبط است (امیر احمدی و همکاران، ۱۳۹۵). پژوهش زاهدانی و زهری نیز به این نتیجه رسیده است که گرچه شهرداری‌ها در کشورهای پیشرفته، پتانسیل مدیریت مشارکتی را به بهترین نحو برای ایفای بهتر وظایف خود به کار گرفته‌اند و بدین ترتیب خود را از یک سازمان صرفا خدماتی، به یک‌نهاد اجتماعی تبدیل نموده‌اند؛ اما شهرداری در جامعه ما بیشتر به‌عنوان یک سازمان خدماتی مطرح است و اگر شهرداری بخواهد خود را به‌عنوان یک‌نهاد اجتماعی فعال، مطرح نماید، به دو پیش‌نیاز احتیاج دارد: نخست اینکه نهاد اجتماعی شهرداری در عین وابستگی متقابل با ۵ نهاد اصلی جامعه، تا حدودی نیز باید دارای استقلال کارکردی باشد. دومین پیش‌نیاز اینکه مشارکت اجتماعی شهروندان در شهرداری است و بدین طریق است که این نهاد می‌تواند در همه شهروندان، نهادینه شود (زاهدانی، زهری بیدگلی، ۸۳:۱۳۹۱). رهنما و همکاران در بررسی عوامل زمینه‌ساز مدیریت مشارکتی کلان‌شهر مشهد که در سه عامل فرهنگ مردم، میزان رضایت مردمی از عملکرد فعلی سازمان شهرداری و میزان فراهم بودن مقتضیات مدیریت مشارکتی، انجام‌شده است، دریافته‌اند که میزان مشارکت، فرهنگ مشارکت و میزان رضایت از عملکرد شهرداری در وضعیت فعلی، در سطح پایینی قرار دارد و میزان فراهم بودن مقتضیات مشارکتی نیز اندکی بالاتر از متوسط می‌باشد (رهنما و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۶۹).

روش تحقیق

پژوهش حاضر، از نوع تحقیقات کاربردی و ازنظر روش، از نوع تحقیقات پیمایشی است. شیوه تجزیه‌وتحلیل اطلاعات به‌صورت توصیفی- تحلیلی بوده است و از مدل تحلیلی سوات[1] بهره‌گیری شده است. این مدل با بررسی متغیرهای کلی، نقاط قوت، ضعف و همچنین فرصت‌ها و تهدیدهایی که در که در فرآیند برنامه‌ریزی وجود دارد، روشن ساخته و راهکار مناسب را به‌منظور انتخاب بهترین گزینه در جهت دستیابی به اهداف موردنظر، ارائه می‌دهد. در این روش با تحلیل نقاط قوت و ضعف به‌عنوان عوامل درونی و فرصت‌ها و تهدیدها به‌عنوان عوامل بیرونی- محیطی، راهبردهایی برای بهبود و توسعه مشارکت، پیشنهاد می‌شود. این راهبردها به چهار دسته SO (استفاده از نقاط قوت برای بهره‌گیری از فرصت‌ها)، WO (استفاده از فرصت‌ها برای پوشش نقاط ضعف)، ST (استفاده از نقاط قوت برای کاهش آسیب‌پذیری نسبت به تهدیدها) و WT (رسیدگی به نقاط ضعف برای کاهش آسیب‌پذیری در برابر تهدیدها) تقسیم می‌شوند. در این پژوهش، جهت شناسایی نقاط قوت و ضعف و همچنین فرصت و تهدیدات محدوده موردمطالعه، از منابع کتابخانه‌ای و اسناد مربوط، طرح نوسازی و بهسازی محدوده موردمطالعه و نظرات ۲۰ نفر از کارشناسان و خبرگان شهری استفاده‌شده است. به‌این‌ترتیب که هرکدام از عوامل چهارگانه سوات پس از شناسایی، تحلیل‌شده و در مرحله بعدی ماتریس سوات تشکیل می‌شود. سپس به اولویت‌بندی هر یک از عوامل چهارگانه با توجه به اهمیت آن‌ها بر اساس پرسشنامه و طبق نظر کارشناسان و مسئولان شهری اقدام شده است. در این پژوهش به‌منظور اولویت‌سنجی و رتبه‌بندی عوامل محیط درونی و محیط بیرونی عوامل وزن گذاری گردیده و از طیف ۱ تا ۴ نمره دهی شده است تا ضریب نهایی برای عوامل استخراج گردد.

لازم به ذکر است که منظور از مشارکت مردمی در این تحقیق، مشارکت عملی (مشارکت ارادی و آگاهانه در هریک از مراحل تصمیم‌گیری و اجرا، تأمین مالی و تأمین نیروی انسانی) در اجرای طرح نوسازی و بهسازی بافت محله آبکوه است.

1 SWOT

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.29252/geores.32.4.30]

محدوده موردمطالعه

قلعه آبکوه در محدوده کلان‌شهر مشهد و در فاصله ۷ کیلومتری غرب حرم مطهر امام رضا (ع) در ناحیه ۲ منطقه ۱ شهرداری مشهد (منطقه برخوردار ازنظر شاخص‌های توسعه) واقع‌شده است. موقعیت این محدوده از شرق به بلوار صادقی (سازمان آب)، از جنوب به بلوار دستغیب و خیابان فلسطین و از شمال به خیابان آپادانا و هجرت منتهی می‌گردد. این محله با ۱۷۵۷ واحد مسکونی و مساحتی حدود ۳۷ هکتار، دارای جمعیتی بالغبر ۸۶۴۵ نفر می‌باشد. قلعه آبکوه پیش از توسعه فیزیکی شهر مشهد به شکل روستایی در غرب آن قرار داشته است که به دلیل توسعه شهر، طی دهه ۱۳۳۵ به‌عنوان حاشیه شهر و از اواخر دهه ۱۳۴۵ داخل بافت شهری مشهد قرار می‌گیرد (وطن‌دوست و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۴)، اما به دلیل ریشه‌های عمیق اجتماعی و تاریخی، خود را با بافت جدید شهر، تطبیق نداده است و در تعارض با حوزه‌های هم‌جوار خود ازنظر خصوصیات کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است (مهندسان مشاور فرنهاد، ۱۳۹۱: ۵). در سال ۶۲-۱۳۶۱ با اجرای طرح تفصیلی به‌منظور پیوند قلعه به‌عنوان محله جدید شهر با محدوده مرکزی، بافت قدیمی آن به‌وسیله احداث یک محور ارتباطی ازهم گسیخته شده و بافت به دو قسمت شمالی و جنوبی تقسیم شد. اما به دلیل عدم اجرای سایر پیشنهادات طرح تفصیلی، دیگر بخش‌های بافت در شرایط سنتی خود باقی ماند. بافت ارگانیک و خودرو و کالبد و بناهای فرسوده، غیر ایمن و با مصالح غیر مرغوب از ویژگی‌های عمده این بافت می‌باشد (سعیدی رضوانی، ۱۳۸۵: ۷۹). امروزه به دلیل ضعف کالبدی- عملکردی در بافت، کمبود تسهیلات و تأسیسات شهری در این پهنه ارگانیک شهری از یک‌سو و تهی شدن آن از نشانه‌های شهری و عناصر با ارزش از سوی دیگر، این بافت به پهنه‌ای آسیب‌پذیر و فاقد کیفیات زندگی شهری تبدیل‌شده است، لذا در مطالعات طرح جامع (۱۴۰۵-۱۳۸۵)، به‌عنوان یکی از اسناد اصلی طرح معرفی‌شده و به تصویب رسیده است. محله آبکوه به‌عنوان یکی از بافت‌های فرسوده شهری فاقد میراث شهری شناسایی‌شده است. ویژگی خاص این محله آن است که در حدفاصل محلات مرفه نشین شهر مشهد یعنی بلوار سجاد، خیابان راهنمایی و خیابان فلسطین قرارگرفته است و همواره به علت داشتن موقعیت مناسب برای کارهای تجاری، موردتوجه شهرداری و سایر سازمان‌ها بوده است. به دلیل عدم امنیت مالکیت افراد و استطاعت مالی آنان از یک‌سو و مشکلات مدیریتی و عدم تحقق وعده‌های مسئولین از سوی دیگر، مردم آبکوه در نگاه اول پذیرای طرح‌هایی می‌باشند که حداقل تغییرات را در بافت ایجاد کند (مقدم آریایی و همکاران، ۱۳۸۷). با توجه به الگوهای مداخله در بافت‌های فرسوده، رویکرد اقدام در محله آبکوه مشهد نیز بر پایه نوسازی- بهسازی با مشارکت مردم ساکن و سرمایه‌گذاران کلان (توسعه با محوریت طراحی شهری[1]) طراحی‌شده است (مهندسان مشاور فرنهاد، ۱۳۹۱: ۱۰).

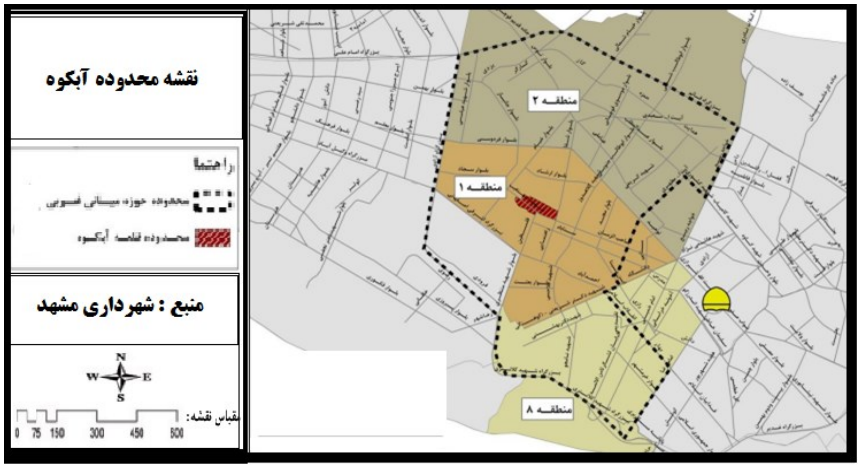

شکل ۱- موقعیت مکانی محله آبکوه در منطقه یک شهرداری مشهد

[1] Urban Design-Led development

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.29252/geores.32.4.30]

بحث نظری

بافت فرسوده شهری

بافت‌های فرسوده شهری، بافت‌های آسیب‌پذیر هستند که به دلیل فرسودگی کالبدی، برخورداری نامناسب از دسترسی سواره، تأسیسات خدماتی و وجود زیرساخت‌های شهری آسیب‌پذیر، ارزش محیطی و اقتصادی پایینی داشته و عواملی همچون ساختار صنعتی و قیمت مسکن و زمین، توقف سرمایه‌گذاری در فضاهای عمومی بافت و افزایش بیکاری سبب بروز این بحران شده است (Alpopi, Manole, 2013). این بافت‌ها به دلیل فقر ساکنان و مالکان آن‌ها، امکان نوسازی خودبه‌خودی را نداشته و نیز، سرمایه‌گذاران، انگیزه‌ای برای سرمایه‌گذاری در آن را ندارند (حبیبی و همکاران، ۱۳۸۶: ۶۶). درواقع می‌توان گفت بافت مسئله‌دار (فرسوده) عبارت از بافت‌های شهری است که وجود عوامل و عناصر مختلف در آن، کاهش ارزش‌های کیفی محیط‌زیست انسان را (از جنبه‌های کالبدی، عملکردی، زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی) در آن فراهم آورده و با کاهش ارزش‌های سکونتی، نوسازی در بافت متوقف می‌شود و میل به مهاجرت در جماعت ساکن افزایش می‌یابد (جهانشاهی، ۱۳۸۲: ۱۸).

نظریه‌ها و الگوهای ساماندهی و احیاء بافت‌های فرسوده و قدیمی

با توجه به مسائل و مشکلات مختلفی که گریبان گیر بافت‌های فرسوده شهری است، بهسازی و نوسازی آن، همواره موردتوجه قرارگرفته و نظریه‌ها و الگوهای مختلفی برای ساماندهی و احیاء آن‌ها، ارائه گردیده است که در جدول زیر به‌صورت خلاصه اشاره می‌شود:

جدول ۱- مکاتب بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری

فرهنگ گرایی	ارجحیت نیازهای معنوی بر نیازهای مادی: بهسازی و نوسازی از طریق زنده کردن ارزش‌های فرهنگی گذشته
ترقی‌گرایی	هنگام نوسازی و بازسازی شهرهای قدیمی، هیچ‌چیز را جز راه‌ها حفظ نمی‌کند: رواج شهرسازی بلدوزری
مکتب اکولوژیک	رکود بافت قدیمی شهر، در اثر گروه‌های اجتماعی و اقتصادی و جدایی گزینی های ناشی از بی‌عدالتی اجتماعی
سازمند گرایی	در نظر گرفتن کلیت منسجم در امر بهسازی و نوسازی شهری: توجه به هماهنگی و انسجام در این فرآیند
کارکردگرایی	بهسازی و نوسازی باید در راستای توسعه اقتصادی و کارکردی شهر باشد
ساختارگرایی	نگرش مجموعه وار و سیستمی به شهر؛ بهسازی و نوسازی ساختارهای کالبدی- فضایی در مجموعه‌ها و نه تک بناها
زیبایی‌شناسی	توجه به بعد بصری و تأکید بر زیباسازی به‌عنوان تنها رویکرد مناسب بهسازی و نوسازی شهری
مدرنیسم	تمایل افراطی برای حراست از آثار باستانی که حتی نوسازی و بهسازی ابنیه مرده و غیر تاریخی را خواستار می‌شد
پست‌مدرنیسم	بیشتر به روابط اجتماعی در شهر می‌اندیشد؛ برانگیختن حس مکان، احیای آنچه دارای ارزش محلی و ویژه است
انسان‌گرایی	توجه به مردم و مشارکت آن‌ها در بهسازی و نوسازی فضای شهری، مداخله مردم گرایانه
نئوکلاسیک	توجه به احیای تاریخ و فرهنگ، البته نه با تقلید از گذشته، بلکه از طریق به‌روز درآمدن در ساختمان‌های آن

منبع: (شماعی و پوراحمد، ۱۳۸۴: ۲۰۴-۱۲۹)

انواع مداخله در بافت

مداخله‌های شهری را می‌توان به چهار دسته عمده تقسیم کرد. این چهار دسته شامل موارد زیر می‌باشند:

الف) مداخله نوگرایانه: این نوع مداخله متأثر از نظریه‌های شهرسازان قرن نوزدهم نظیر اوئی، فوریه، ریچاردسون، کابه و پرودون است. هدف از این نوع مداخله، ارتقای سطح بهداشت و سلامت، افزایش کارایی و بالا بردن زیبایی در سطح شهر است. مداخلات نوگرایانه برای حل مسائل و مشکلات و مواجهه با آن، انقطاع فرهنگی را مطرح می‌کنند و رو به آینده دارند و با اعتقاد

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.29252/geores.32.4.30]

بر آن، برای از بین بردن آشفتگی‌ها در فعالیت‌های شهری، اصل مهم عملکرد را مطرح می‌نمایند و با منطقه بندی فعالیت‌ها بر اساس چهار کاربری اصلی سکونت، رفت‌وآمد، اوقات فراغت، و کار به دنبال نظم بخشیدن به شهر می‌باشند.

ب) مداخله فرهنگ گرایانه: این نوع مداخله متأثر از نظریه‌های پیش شهر سازان قرن نوزدهم چون راسکین، موریس، سیت و ریمون آنون است. هدف از این نوع مداخله، زنده کردن ارزش‌های فرهنگی گذشته در شهر، تکیه‌بر رشد شهر بر اساس اشکال کهن، توجه به ارزش‌های زیباشناختی شهرهای کهن، به حداقل رسیدن دخل و تصرف در بافت‌های باارزش، ارزش دادن به کل و بالا بردن میزان جذابیت و آرامش در شهرها می‌باشد.

ج) مداخله فرانوگرایانه: این نوع مداخله متأثر از نظریه‌های شهرسازی دهه شصت قرن بیستم میلادی به بعد می‌باشد. مداخله فرانوگرایانه می‌تواند، تلفیقی از مداخله نوگرایانه و مداخله فرهنگ گرایانه باشد که از افراط‌وتفریط دو نوع مداخله فوق بکاهد. محوری اصلی این مداخله، حفظ تاروپود بافت کهن در کنار دگرگونی‌های کالبدی- فضایی شهر است.

د) مداخله مردم گرایانه: این نوع مداخله متأثر از نظریه‌های شهرسازی مشارکتی دهه‌های آخرین قرن بیستم میلادی است که هدف آن، بالا بردن میزان مشارکت مردم در تغییرات سازمان فضایی شهر است.

روش‌های مداخله، بیانگر آن است که از اواخر قرن بیستم، شاهد افزایش توجه به بحث مشارکت مردمی هستیم به‌گونه‌ای که امروزه مشارکت مردمی به‌عنوان کلید توسعه پایدار در نظر گرفته می‌شود (Sirisrisak, 2009:55) و رویکرد مردم گرایانه، از اهمیت به سزایی برخوردار است. در این رویکرد، به‌جای نگرش کلان و مقیاس‌های ذهنی، به ابعاد مشخص فضا- زمان در مقیاس محلی و خرد می‌پردازد. در این رویکرد، نگاه برنامه‌ریزی و مدیریت از پایین به بالا، مبتنی بر توانمندسازی و مقتدر سازی، نگرش دارایی- مبنا، تأکید بر منابع انسانی و سرمایه‌های اجتماعی و مشارکت جمعی ساکنین محل‌هاست. به اعتقاد لینچ، در فرآیند بهسازی و نوسازی شهری، باید برنامه‌ریزی با مشارکت مردم و مشاوره با متخصصان و هماهنگی با مسئولان و مردم شهر انجام گیرد. بر این اساس، مشارکت و نقش مردم در بهسازی و نوسازی، اهمیت ویژه‌ای می‌یابد.

مشارکت: آبهوف و کوهن (۱۹۷۶) مشارکت را شرکت افراد در تصمیم‌گیری، اجرا، ارزشیابی و تقسیم منافع حاصل از یک پروژه تعریف نموده‌اند (غفاری، ۱۳۹۰: ۸۴). هارت (۲۰۰۲) مشارکت را فرآیند سهیم شدن در تصمیم‌های اثرگذار بر زندگی شخصی و اجتماعی می‌داند. از دید وی مشارکت وسیله‌ای است که با آن دموکراسی ایجادشده و دموکراسی‌ها بر اساس آن سنجیده می‌شود (غفاری، ۱۳۹۰: ۸۵). ارنشتاین مشارکت را فرآیند سهیم شدن مردم در قدرت که از تأثیرگذاری بر رفتار دولت و نظام برخوردار است، می‌داند؛ به باور وی، مشارکت توزیع مجدد قدرت است که در سطوح مختلف اتفاق می‌افتد.

گونه شناسی مشارکت: مشارکت را به روش‌های گوناگون تقسیم‌بندی کرده‌اند؛ یکی از دسته‌بندی‌های مهم بر مبنای «هدف» مشارکت توسط انجمن بین‌المللی برای مشارکت عمومی (۲۰۰۷) به شرح زیر بیان‌شده است (Davies, Simon, 2013:6).

جدول ۲- گونه شناسی مشارکت بر اساس دیدگاه انجمن بین‌المللی برای مشارکت عمومی

نوع مشارکت	اطلاع‌رسانی	مشورت	دخالت	همکاری	توانمندسازی
مشارکت عمومی	اطلاع‌رسانی به مردم در خصوص مشکلات، جایگزین‌ها، فرصت‌ها و نیز راه‌حل‌ها	دریافت بازخورد از تحلیل‌ها، جایگزین‌ها و تصمیم‌گیری‌ها	اقدام مستقیم با مردم از طریق فرآیندهایی برای اطمینان از این‌که نگرانی‌ها و خواسته‌ها به درستی درک و در نظر گرفته‌شده‌اند	همکاری عمومی در هر جنبه از تصمیم‌گیری شامل شناسایی راه‌حل‌های بهینه و گسترش جایگزین‌ها	سپردن تصمیم‌گیری نهایی به دست مردم

منبع:(Davis , Simon, 2013:6)

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.29252/geores.32.4.30]

زمینه‌ها و موانع مشارکت: نظریه‌پردازان گوناگونی به بیان عوامل، زمینه‌ها و شرایط تحقق مشارکت و موانع آن پرداخته‌اند که تبیین‌کننده بخشی از واقعیت رفتار مشارکتی است. دیدگاه‌های نظری مهم در این زمینه عواملی همچون بی‌قدرتی، سرمایه اجتماعی، ارزیابی مثبت از پاداش‌های مشارکتی، اطمینان نسبت به نتایج، سطح تحصیلات، هنجارهای اجتماعی مناسب، موقعیت پایگاهی، مهارت‌های ارتباطی و تجارب شغلی، شبکه‌های سازمانی، دسترسی به رسانه‌ها، مسئولیت‌پذیری و توان ابراز منافع، ارزش‌های فرهنگی مناسب، نابرابری اجتماعی، کمبود وقت، قوانین و نهادهای مناسب، فایده و پاداش، اجتماعی شدن و ... را در این زمینه مؤثر دانسته‌اند (عبدالله پور و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۷۸). به‌طورکلی محدودیت‌های کشورمان درزمینه مشارکت را می‌توان در سرفصل‌های محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی، محدودیت‌های اقتصادی، محدودیت‌های ساختاری، فقدان آگاهی عمومی و فقدان سیاست‌های مشارکتی در ادارات ذی‌ربط خلاصه نمود (Esmaeili, Zoghi, 2014: 869)

نتایج یافته‌های تحقیق

بررسی و تحلیل عوامل داخلی و خارجی مشارکت مردمی در بهسازی و نوسازی محله آبکوه

ارزیابی محیط درونی و بیرونی باعث می‌شود که تصمیم‌گیرندگان و برنامه ریزان در همان مراحل قضاوت کمی را در فرآیند تدوین اهداف و راهبردها به‌کارگیرند (Roberts, Sykes, 2000: 20). بنابراین با توجه به تحلیل‌هایی که در مورد اثرات نسبی عوامل درونی و بیرونی محله آبکوه ارائه می‌شود، می‌تواند راهبردها را به شیوه‌ای اثربخش و با توجه به وضعیت محلی آن، ارائه دهد. بر این اساس، جدول ۳، نقاط ضعف، قوت، فرصت و تهدید را برای مشارکت مردمی در بهسازی و نوسازی محله که از نظرات ۲۰ نفر از کارشناسان و خبرگان موضوع، استخراج‌شده است، نشان می‌دهد.

همان‌گونه که جدول ۳ نشان می‌دهد؛ در حوزه مشارکت مردمی در بهسازی و نوسازی تعداد ۱۰ نقطه قوت داخلی در برابر ۱۲ نقطه‌ضعف داخلی قرار دارد. همچنین ۵ نقطه فرصت خارجی در برابر ۵ نقطه‌ضعف خارجی قرارگرفته است. بدین ترتیب ۱۵ نقطه قوت و فرصت به‌عنوان مزیت‌ها و تعداد ۱۷ نقطه‌ضعف و تهدید به‌عنوان محدودیت‌ها در این موضوع، شناسایی‌شده است که باید با ارائه راهبردهای مناسب و مؤثر، از این نقاط ضعف و قوت، استفاده گردد.

جدول ۳- وضعیت عوامل داخلی و خارجی جهت مشارکت مردمی در بهسازی و نوسازی محله آبکوه

عوامل داخلی	عوامل خارجی
نقاط قوت (S)	**فرصت‌ها (O)**
S1: بالا بودن مشارکت غیررسمی در محله (فعالیت شورای محله، سطح بالای مشارکت در امور مذهبی و خیریه، و ...)	O1: رشد آگاهی عمومی و افزایش رو به تزاید مطالبات و حقوق شهروندی
S2: همبستگی بالای اجتماعی	O2: تقویت رویکرد مردم محوری و شهروند محوری در مدیریت شهری
S3: جمعیت جوان محدوده طرح	O3: ایجاد سازوکار توجه به حقوق شهروندی در سطح کلان
S4: تعلق مکانی جمعیت بومی (تمایل به ادامه سکونت در آبکوه)	O4: وجود تجربیات فراوان جهانی و داخلی در زمینه ساماندهی، توانمندسازی و احیاء بافت‌های فرسوده و قدیمی
S5: وجود حس مشارکت در درون محله	O5: تمایل شهرداری در ایجاد و ساختار تشکیلاتی عمومی مردمی در تهیه، تصویب و اجرای طرح
S6: قدمت سکونت افراد در محله	
S7: تمایل خانوارها برای بهسازی مسکن	
S8: احساس مسئولیت نسبت به محله	
S9: موافقت با اجرای طرح در محله در صورت مشارکت مردمی	
S10: توجه به رویکرد مشارکت مردمی در طرح تهیه‌شده	

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.29252/geores.32.4.30]

ادامه جدول ۳

عوامل داخلی	عوامل خارجی
نقاط ضعف (W)	**تهدیدها (T)**
W1: عدم تجانس قومی و وجود مهاجران و تازه‌واردان	T1: تحلیل رفتن و ضعف سرمایه‌های اجتماعی میان ساکنان
W2: حاکمیت رویکردهای دستوری در مدیریت شهری	T2: نبود قوانین و مقررات الزام‌آور جهت جلب مشارکت ساکنان در طرح
W3: تعدد سازمان‌های متولی موضوع (آستان قدس، سازمان اوقاف، شهرداری و ...) و نبودن مدیریت یکپارچه	T3: مقاومت ساختار مدیریتی شهر در مقابل تفکر مشارکتی
W4: مشکلات مالی خانوارها در محدوده و پایین بودن سطح درآمدها	T4: مداخله یک‌جانبه شهرداری و مسئولان امر در ساماندهی محله بدون جلب مشارکت مردمی
W5: عدم حمایت دولتی و قانونی از تشکل‌ها و شوراهای محلی	T5: عدم ثبات در تصمیم‌گیری مسئولان و تغییرات رویکرد افراد مختلف
W6: عدم تدوین سازوکارها و شیوه‌های مناسب و نهادهای مشارکتی	
W7: عدم اعتماد مردم به مسئولین و احساس ترس از مشارکت رسمی	
W8: کمبود آموزش و نبود بسترهای فرهنگی مناسب برای مشارکت رسمی	
W9: بی‌تفاوتی به محله در میان مستأجران و مهاجران	
W10: عدم تدوین زمینه‌های مشارکت ساکنان در طرح	
W11: سطح سواد پایین سرپرستان خانوار	
W12: بالا بودن آسیب‌های اجتماعی در محله	

منبع: (نگارندگان، استخراج از نظرات کارشناسان و خبرگان)

اولویت‌بندی عوامل داخلی و خارجی

از آن جا که عوامل مختلف داخلی و خارجی شناسایی‌شده، هم‌سنگ نبوده و هرکدام، درجه اهمیت خاصی را دارا می‌باشند، از روش وزن گذاری عوامل استفاده می‌شود. بر این اساس برای عوامل داخلی از صفرتا یک ضریب داده می‌شود به‌طوری‌که مجموع ضرایب برابر یک شود.سپس به هرکدام از عوامل نمره ۱ تا ۴ داده می‌شود. نمره ۱ بیانگر ضعف اساسی، نمره ۲ ضعف عادی، نمره ۳ قوت عادی و نمره ۴ نشان‌دهنده قوت بالای عامل موردبررسی است. در عوامل خارجی نیز به همین ترتیب وزن گذاری شده و نمره تخصیص می‌یابد به‌گونه‌ای ۱ برای واکنش ضعیف، نمره ۲ برای واکنش عادی، نمره ۳ برای واکنش خوب و عدد ۴ برای واکنش خیلی خوب در نظر گرفته می‌شود. برای تعیین نمره نهایی نیز ضریب هر عامل در نمره آن ضرب می‌شود تا نمره نهایی عوامل استخراج گردد. جدول ۴ و ۵ نتایج حاصل از این مرحله را نشان می‌دهد.

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.29252/geores.32.4.30]

جدول ٤- ماتریس ارزیابی عوامل داخلی (IFE) مشارکت مردمی در بهسازی و نوسازی محله آبکوه

S	قوت‌ها	ضریب	رتبه	وزن
۱	بالا بودن مشارکت غیررسمی در محله (فعالیت شورای محله، سطح بالای مشارکت در امور مذهبی و خیریه، و ...)	۰,۱۴	۳	۰.۴۲
۲	همبستگی بالای اجتماعی	۰,۰۸	۳	۰.۲۴
۳	جمعیت جوان محدوده طرح	۰,۰۶	۲	۰.۱۲
۴	تعلق مکانی جمعیت بومی (تمایل به ادامه سکونت در آبکوه)	۰,۱۲	۳	۰.۳۶
۵	وجود حس مشارکت در درون محله	۰,۱۳	۳	۰.۳۹
۶	قدمت سکونت افراد در محله	۰,۰۹	۳	۰.۲۷
۷	تمایل خانوارها برای بهسازی مسکن	۰,۱۱	۲	۰.۲۲
۸	احساس مسئولیت نسبت به محله	۰,۰۷	۲	۰.۱۴
۹	موافقت با اجرای طرح در محله در صورت مشارکت مردمی	۰,۱۱	۴	۰.۴۴
۱۰	توجه به رویکرد مشارکت مردمی در طرح تهیه‌شده	۰,۰۹	۴	۰.۳۶
	مجموع	۱		۲,۹۶
W	ضعف‌ها	ضریب	رتبه	وزن
۱	عدم تجانس قومی و وجود مهاجران و تازه‌واردان	۰,۰۶	۲	۰,۱۲
۲	حاکمیت رویکردهای دستوری در مدیریت شهری	۰,۰۸	۳	۰,۲۴
۳	تعدد سازمان‌های متولی موضوع (آستان قدس، سازمان اوقاف، شهرداری و ...) و نبودن مدیریت یکپارچه	۰,۱۱	۴	۰,۴۴
۴	مشکلات مالی خانوارها در محدوده و پایین بودن سطح درآمدها	۰,۱۱	۴	۰,۴۴
۵	عدم‌حمایت دولتی و قانونی از تشکل‌ها و شوراهای محلی	۰,۰۹	۳	۰,۲۷
۶	عدم تدوین سازوکارها و شیوه‌های مناسب و نهادهای مشارکتی	۰,۱۲	۴	۰,۴۸
۷	عدم اعتماد مردم به مسئولین و احساس ترس از مشارکت رسمی	۰,۰۹	۴	۰,۳۶
۸	کمبود آموزش و نبود بسترهای فرهنگی مناسب برای مشارکت رسمی	۰,۰۷	۳	۰,۲۱
۹	بی‌تفاوتی به محله در میان مستأجران و مهاجران	۰,۰۵	۲	۰,۱
۱۰	عدم تدوین زمینه‌های مشارکت ساکنان در طرح	۰,۰۹	۳	۰,۲۷
۱۱	سطح سواد پایین سرپرستان خانوار	۰,۰۶	۱	۰,۰۶
۱۲	بالا بودن آسیب‌های اجتماعی در محله	۰,۰۷	۲	۰,۱۴
	مجموع	۱		۳,۱۳

منبع: (استخراج از نظرات کارشناسان و خبرگان)

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.29252/geores.32.4.30]

جدول ۵- ماتریس ارزیابی عوامل خارجی (EFE) مشارکت مردمی در بهسازی و نوسازی محله آبکوه

O	قوت‌ها	ضریب	رتبه	وزن
۱	رشد آگاهی عمومی و افزایش رو به تزاید مطالبات و حقوق شهروندی	۰,۱۹	۳	۰.۵۷
۲	تقویت رویکرد مردم محوری و شهروند محوری در مدیریت شهری	۰,۲۱	۳	۰.۶۳
۳	ایجاد سازوکار توجه به حقوق شهروندی در سطح کلان	۰,۱۷	۳	۰.۵۱
۴	وجود تجربیات فراوان جهانی و داخلی در زمینه ساماندهی، توانمندسازی و احیاء بافت‌های فرسوده و قدیمی	۰,۲۰	۲	۰.۴
۵	تمایل شهرداری در ایجاد و ساختار تشکیلاتی عمومی مردمی در تهیه، تصویب و اجرای طرح	۰,۲۳	۴	۰.۹۲
	مجموع	۱		۳,۰۳
T	قوت‌ها	ضریب	رتبه	وزن
۱	تحلیل رفتن و ضعف سرمایه‌های اجتماعی میان ساکنان	۰,۱۸	۲	۰.۳۶
۲	نبود قوانین و مقررات الزام‌آور جهت جلب مشارکت ساکنان در طرح	۰,۲۰	۳	۰.۶
۳	مقاومت ساختار مدیریتی شهر در مقابل تفکر مشارکتی	۰,۱۹	۴	۰.۷۶
۴	مداخله یک‌جانبه شهرداری و مسئولان امر در ساماندهی محله بدون جلب مشارکت مردمی	۰,۲۳	۳	۰.۶۹
۵	عدم ثبات در تصمیم‌گیری مسئولان و تغییرات رویکرد افراد مختلف	۰,۲۰	۳	۰.۶
	مجموع	۱		۳,۰۱

منبع: (استخراج از نظرات کارشناسان و خبرگان)

با توجه به ماتریس‌های ارزیابی عوامل داخلی و خارجی، اولویت نهایی این عوامل در راستای مشارکت مردمی در بهسازی و نوسازی بافت فرسوده محله آبکوه به شرح جدول ۶ می‌باشد.

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.29252/geores.32.4.30]

جدول ٦- اولویت نهایی عوامل داخلی و خارجی در راستای مشارکت مردمی در بهسازی و نوسازی محله آبکوه

ردیف	z	وزن نسبی	کد عامل
۱	موافقت با اجرای طرح در محله در صورت مشارکت مردمی	۰,۴۴	S9
۲	بالا بودن مشارکت غیررسمی در محله (فعالیت شورای محله، سطح بالای مشارکت در امور مذهبی و خیریه، و ...)	۰,۴۲	S1
۳	وجود حس مشارکت در درون محله	۰,۳۹	S5
۴	تعلق مکانی جمعیت بومی (تمایل به ادامه سکونت در آبکوه)	۰,۳۶	S4
۵	توجه به رویکرد مشارکت مردمی در طرح تهیه‌شده	۰,۳۶	S10
۶	قدمت سکونت افراد در محله	۰,۲۷	S6
۷	همبستگی بالای اجتماعی	۰,۲۴	S2
۸	تمایل خانوارها برای بهسازی مسکن	۰,۲۲	S7
۹	احساس مسئولیت نسبت به محله	۰,۱۴	S8
۱۰	جمعیت جوان محدوده طرح	۰,۱۲	S3
۱۱	عدم تدوین سازوکارها و شیوه‌های مناسب و نهادهای مشارکتی	۰,۴۸	W6
۱۲	تعدد سازمان‌های متولی موضوع (آستان قدس، اوقاف، شهرداری و ...) و نبودن مدیریت یکپارچه	۰,۴۴	W3
۱۳	مشکلات مالی خانوارها در محدوده و پایین بودن سطح درآمدها	۰,۴۴	W4
۱۴	عدم اعتماد مردم به مسئولین و احساس ترس از مشارکت رسمی	۰,۳۶	W7
۱۵	عدم‌حمایت دولتی و قانونی از تشکل‌ها و شوراهای محلی	۰,۲۷	W5
۱۶	عدم تدوین زمینه‌های مشارکت ساکنان در طرح	۰,۲۷	W10
۱۷	حاکمیت رویکردهای دستوری در مدیریت شهری	۰,۲۴	W2
۱۸	کمبود آموزش و نبود بسترهای فرهنگی مناسب برای مشارکت رسمی	۰,۲۱	W8
۱۹	بالا بودن آسیب‌های اجتماعی در محله	۰,۱۴	W12
۲۰	عدم تجانس قومی و وجود مهاجران و تازه‌واردان	۰,۱۲	W1
۲۱	بی‌تفاوتی به محله در میان مستأجران و مهاجران	۰,۱	W9
۲۲	سطح سواد پایین سرپرستان خانوار	۰,۶	W11
۲۳	تمایل شهرداری در ایجاد و ساختار تشکیلاتی عمومی مردمی در تهیه، تصویب و اجرای طرح	۰,۹۲	O5
۲۴	تقویت رویکرد مردم محوری و شهروند محوری در مدیریت شهری	۰,۶۳	O2
۲۵	رشد آگاهی عمومی و افزایش رو به تزاید مطالبات و حقوق شهروندی	۰,۵۷	O1
۲۶	ایجاد سازوکار توجه به حقوق شهروندی در سطح کلان	۰,۵۱	O3
۲۷	تجربیات فراوان جهانی و داخلی در زمینه ساماندهی، توانمندسازی و احیاء بافت‌های فرسوده	۰,۴۰	O4
۲۸	مقاومت ساختار مدیریتی شهر در مقابل تفکر مشارکتی	۰,۷۶	T3
۲۹	مداخله یک‌جانبه شهرداری و مسئولان امر در ساماندهی محله بدون جلب مشارکت مردمی	۰,۶۹	T4
۳۰	نبود قوانین و مقررات الزام‌آور جهت جلب مشارکت ساکنان در طرح	۰,۶۰	T2
۳۱	عدم ثبات در تصمیم‌گیری مسئولان و تغییرات رویکرد افراد مختلف	۰,۶۰	T5
۳۲	تحلیل رفتن و ضعف سرمایه‌های اجتماعی میان ساکنان	۰,۳۶	T1

منبع: (استخراج از نظرات کارشناسان و خبرگان)

ارائه راهبردهای مشارکت مردمی در بهسازی و نوسازی بافت محله آبکوه

با توجه به آن چه در روش تحقیق تشریح گردید، در این مرحله با توجه به ماتریس ارزیابی عوامل داخلی و خارجی، نسبت به ارائه راهبردها اقدام می‌گردد. راهبردها در چهار دسته تهاجمی، تنوع، بازنگری و تدافعی قرار می‌گیرند.

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.29252/geores.32.4.30]

۱- راهبردهای تهاجمی/ رقابتی (SO): این دسته از راهبردها بر نقاط قوت درونی و فرصت‌های بیرونی استوار می‌باشد.

۲- راهبردهای تنوع (ST): این راهبردها بر نقاط قوت درونی و تهدیدهای بیرونی، متمرکز می‌باشد.

۳- راهبردهای بازنگری (WO): در این گروه از راهبردها، ضمن تأکید بر نقاط ضعف درونی، سعی بر بهره‌گیری از فرصت‌های بیرونی در جهت رفع نقاط ضعف می‌باشد.

۴- راهبردهای تدافعی (WT): این دسته از راهبردها بر رسیدگی به نقاط ضعف درونی برای کاهش تهدیدها اشاره دارد.

بر این اساس، راهبردهای مختلف جهت مشارکت مردمی در بهسازی و نوسازی محله آبکوه به شرح جدول ۷ تعریف گردیده است.

جدول ۷- ارائه راهبردهای پیشنهادی با استفاده از تحلیل سوات[1]

راهبردهای تهاجمی/ رقابتی (SO)	راهبردهای بازنگری (WO)
- آگاه‌سازی و اطلاع‌رسانی در خصوص ترغیب و تشویق مردم به مشارکت رسمی در طرح - استفاده از ظرفیت جمعیت جوان جهت پیشتازی در مشارکت - بهره‌گیری از تجارب ساماندهی پروژه‌های موفق مشابه با شرایط محله - ایجاد ساختار تشکیلاتی مردمی از افراد علاقه‌مند در اجرای طرح - توجه به حقوق ساکنان و ماندگاری آنان در سطح محله - تقویت نقش شورای محله در ساماندهی بافت و اجرای طرح	- تقویت حس تعلق در ساکنان به‌ویژه مهاجران و تازه‌واردان از طریق هویت‌سازی - شفاف‌سازی نقش مردم و ساکنان در اجرای طرح - ایجاد ساختار مشخص با بدنه مردمی جهت نظارت بر روند طرح - تعریف سیاست‌ها و ابزارهای نظارت بر مسئولان توسط مردم - ایجاد سازوکار شفافیت و اطلاع‌رسانی مداوم به مردم - ساماندهی کسب‌وکارهای موجود و تقویت بنیه اقتصادی محله - تشکیل کمیته ساماندهی با حضور افراد و گروه‌های مؤثر در محله
راهبردهای بازنگری (WO)	راهبردهای تدافعی (WT)
- هویت‌سازی برای محله و جایگزینی آن با هویت قومی - شفاف‌سازی حقوق شهروندان در طرح و ایجاد مطالبه گری برای آنان از مسئولین - هماهنگی سازمان‌های متولی و کاهش بوروکراسی و فرآیندهای اداری جهت تسهیل ساماندهی - ایجاد تعاونی‌های ساخت‌وساز در بافت - اعتمادسازی برای گروه‌های دی نفع و ساکنان از سوی شهرداری - تدوین سازوکار و مکانیسم‌ها و روش‌های مشارکت مردمی در طرح - شناسایی نیازمندی‌های آموزشی و برنامه‌ریزی جهت آموزش شیوه‌های مشارکت ساکنان - تدوین زمینه‌های مشارکت ساکنان با استفاده از تجربیات موفق‌مشابه - جلب همکاری مردم جهت کاهش آسیب‌های اجتماعی در محله	- تقویت و ایجاد گروه‌های مختلف ساکنین در جهت تجمیع املاک و افزایش مشارکت محله‌ای - تدوین ضوابط و مقررات روشن و اطلاع‌رسانی به مردم جهت نحوه مشارکت مردم در ساماندهی بافت - فرهنگ‌سازی و آموزش شیوه‌های مشارکتی برای مدیران شهرداری و مسئولان طرح - الزام مدیران و مسئولان طرح به شفاف‌سازی و پاسخگویی به مردم - ثبات در تصمیم‌گیری‌ها و شیوه‌های جلب مشارکت مردمی - بهره‌گیری از نظرات و پیشنهادات ساکنان جهت بهینه‌سازی تصمیمات و رویکردهای ساماندهی محله

برای تعیین وضعیت کلی راهبردهای محله آبکوه از وزن هر بخش سوات استفاده می‌گردد. با توجه به اینکه برای هر بخش ضریبی محاسبه گردیدکه بین ۱ تا ۴ می‌باشد. از طریق ترسیم این نقاط بر روی محور مختصات می‌توان، وضعیت راهبردهای آن

[1] SWOT

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.29252/geores.32.4.30]

منطقه را پیدا کرد. با توجه به اعداد به‌دست‌آمده در هر بخش (S=۲,۹۶؛ W=۳,۱۳؛ O=۳,۰۳؛ T=۳,۰۱) نمودار مربوطه به شرح زیر ترسیم می‌شود. با توجه به شکلی که از محور مختصات به دست می‌آید، شکل به هر سمت که کشیدگی و تمایل بیشتری داشته باشد، نشانگر راهبردهای محله می‌باشد.

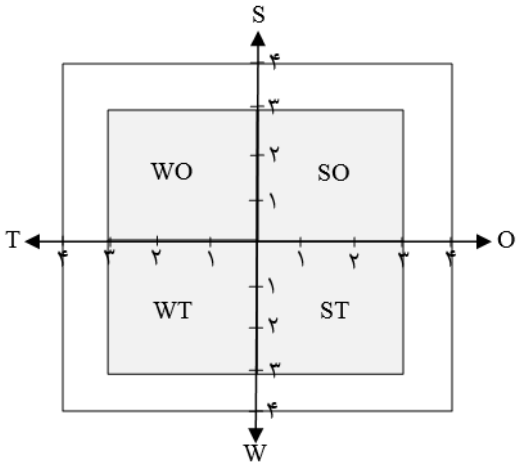

شکل ۲- تعیین جایگاه راهبردهای استراتژیک محله آبکوه

چنانکه شکل ۲ نشان می‌دهد، راهبردهای مربوطه در هر ۴ منطقه محور مختصات قرارگرفته است، گرچه تفاوت‌ها چندان قابل‌ملاحظه نمی‌باشد، لیکن با توجه به اعداد به‌دست‌آمده منطقه راهبردهای تدافعی اندک تفاوتی با سایر مناطق دیگر دارد و باید بر آن تأکید بیشتری صورت گیرد. براین اساس، راهبردهای زیر، اهمیت بیشتری می‌یابند:

۱- تقویت و ایجاد گروه‌های مختلف ساکنین در جهت تجمیع املاک و افزایش مشارکت محله‌ای

۲- تدوین ضوابط و مقررات روشن و اطلاع‌رسانی به مردم جهت نحوه مشارکت مردم در ساماندهی بافت

۳- فرهنگ‌سازی و آموزش شیوه‌های مشارکتی برای مدیران شهرداری و مسئولان طرح

۴- الزام مدیران و مسئولان طرح به شفاف‌سازی و پاسخگویی به مردم

۵- ثبات در تصمیم‌گیری‌ها و شیوه‌های جلب مشارکت مردمی

۶- بهره‌گیری از نظرات و پیشنهادات ساکنان جهت بهینه‌سازی تصمیمات و رویکردهای ساماندهی محله

نتیجه‌گیری

گذر زمان و تجربیات به‌دست‌آمده از اقدامات مختلف بهسازی و نوسازی در شهرها و کشورهای مختلف، نشان داده است که روند بهسازی و نوسازی بدون مشارکت مردمی و دخیل کردن آنان، نمی‌تواند به نتیجه مطلوب بیانجامد. در این امر، مشارکت مردمی و نقش و جایگاه آنان در فرآیندهای مربوطه، می‌بایست مدنظر قرار گیرد. این ضرورت، لزوم شناسایی موانع و رفع خلأهای مشارکت و شناسایی راه‌حل‌های مناسب برای آن را ضروری می‌سازد. در این پژوهش، برای بررسی موضوع مشارکت مردم در بهسازی و نوسازی بافت محله آبکوه کلان‌شهر مشهد، و شناخت واقع‌بینانه از وضعیت موجود، از تکنیک SWOT و شناسایی نقاط قوت، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدهای مشارکت مردمی، استفاده گردید. این محله از ریشه روستایی برخوردار بوده و درگذر زمان به کلان‌شهر مشهد، ملحق گردیده است، به‌طوری‌که امروزه در قسمت مرکزی شهر و در مجاورت محله‌های توسعه‌یافته قرارگرفته است، لیکن نتوانسته است توسعه خود را درگذر زمان ادامه دهد و درنتیجه دارای تفاوت‌های قابل‌ملاحظه‌ای با سایر بافت‌های شهر بوده و فرسودگی و زوال آن، لزوم بهسازی و نوسازی آن را ضروری ساخته است. در این راستا، طرح مربوطه تهیه گردیده و به رویکرد مشارکت مردمی نیز توجه نموده است. لذا بررسی موضوع و نتایج بررسی نشان داد که گرچه

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.29252/geores.32.4.30]

در این محله، فرصت‌های زیادی برای مشارکت وجود دارد و عواملی همچون «موافقت با اجرای طرح در محله در صورت مشارکت مردمی»، «بالا بودن مشارکت غیررسمی در محله (فعالیت شورای محله، سطح بالای مشارکت در امور مذهبی و خیریه و ...)»، «وجود حس مشارکت در درون محله»، «تعلق مکانی جمعیت ساکن و تمایل به ادامه سکونت در محله» و «توجه به رویکرد مشارکت مردمی در طرح تهیه‌شده» و ... وجود دارد، اما در کنار آن، نقطه‌ضعف‌های مختلف موجود در محله مانند «عدم تدوین سازوکار و شیوه‌های مناسب و نهادهای مشارکتی»، «تعدد سازمان‌های متولی موضوع (آستان قدس، سازمان اوقاف، شهرداری و ...) و نبودن مدیریت یکپارچه در اجرای طرح»، «مشکلات مالی خانوارها در محدوده و پایین بودن سطح درآمدها»، «عدم اعتماد به مسئولین و احساس ترس از مشارکت رسمی» و «عدم‌حمایت دولتی و قانونی از تشکل‌ها و شوراهای محلی» و ... سبب شده است که نتیجه مطلوب در این زمینه حاصل نگردد و باعث نارضایتی ساکنان و گروه‌های ذینفع در محله از سویی و افزایش هزینه‌های مالی و مشکلات اجرایی برای مسئولین طرح گردد. لذا لازم است با بهره‌گیری از فرصت‌ها و از سویی کاهش تهدیدهای موجود در موضوع، راهکارهایی اتخاذ گردد که بتواند دستاوردهای اجرایی مناسب و پیشرفت مناسب طرح را در پی داشته باشد.

جایگاه راهبردهای استراتژیک در محله نیز نشان داد که تفاوت قابل‌ملاحظه‌ای در راهبردها وجود ندارد و اختلافات اعداد و ارقام در هرکدام از راهبردها، در حدی نیست که بتوان یک گروه از راهبردها را به‌صورت مطلق دنبال نمود. لیکن با توجه به اعداد و ارقام به‌دست‌آمده (S=۲,۹۶؛ W=۳,۱۳؛ O=۳,۰۳؛ T=۳,۰۱)، کشیدگی و تمایل در قسمت راهبردهای تدافعی، اندکی بیشتر بوده و لازم است مورد تأکید بیشتری قرار گیرد.

به‌طورکلی نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش، بیانگر آن است که گرچه محله آبکوه شهر مشهد، زمانی بر اساس وضعیت اقتصادی-اجتماعی و مطابق با مقتضیات زمان و ساکنان خود، شکل‌گرفته و توسعه پیداکرده است، اما امروزه دچار فرسودگی و مشکلاتی است که لزوم دخالت و مشارکت مردم را در بهسازی و نوسازی آن، ضروری می‌سازد. راهبردهای در نظر گرفته‌شده تاکنون نیز، زوایای پنهان ساختارهای فرهنگی و اجتماعی ساکنان سکونتگاه‌های فرسوده را پوشش نداده و تلاش برای آشکارسازی تعاملات فرهنگی و پویش‌های ساخت نظام اجتماعی به عمل نیاورده است. لذا لازم است مدیران و مسئولین طرح، به مشارکت واقعی ساکنان توجه بیشتری نموده و متناسب با شرایط و ویژگی‌های ساکنان بافت، سازوکارها و الزامات مشارکت مردمی را در اجرای طرح فراهم آورند.

منابع و مآخذ

- اسدیان، فریده، سیاحی، زهرا (۱۳۹۰)، نقش الگوی مشارکت مردمی در نوسازی بافت فرسوده شهری با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی، نمونه موردی محله عامری اهواز، فصلنامه آمایش محیط، شماره ۱۲، صص ۱۶۳-۱۳۹.
- امیر احمدی، رحمت‌الله، نوابخش، مهرداد، زنجانی، حبیب الله (۱۳۹۵)، بررسی نقش سرمایه فرهنگی اجتماعی بر مشارکت شهروندان در نوسازی بافت‌های فرسوده شهری، مطالعه موردی شهر مشهد، دو فصلنامه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، شماره ۸، صص ۱۴۳-۱۲۳.
- امینی، یوسف، امینی، محمد (۱۳۹۵)، بررسی عوامل اقتصادی- اجتماعی و زمینه‌ای مؤثر بر میزان مشارکت شهروندان در حوزه امور شهری مرتبط با شهرداری، فصلنامه توسعه اجتماعی، دوره ۱۱، شماره ۲، صص ۱۹۸-۱۷۹.
- آقا صفری، عارف، حاتمی نژاد، سید حسین، پوراحمد، احمد، کلانتری خلیل‌آبادی، حسین، منصور نژاد، هانی، دانش، جابر، ابراهیمی کارگر، سعید رضا (۱۳۹۱)، راهبردهای نوسازی بافت فرسوده شهری تهران با استفاده از تکنیک AIDA، فصلنامه مطالعات شهرایرانی اسلامی، شماره ۸، صص ۵۰-۳۷.
- پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۶)، سیر اندیشه‌ها در شهرسازی، تهران، انتشارات شهرهای جدید.

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.29252/geores.32.4.30]

- پوراحمد، احمد، حبیبی، کیومرث، کشاورز، مهناز(۱۳۸۹)، سیر تحول مفهوم شناسی بازآفرینی شهری به‌عنوان رویکردی نو در بافت‌های فرسوده شهری، فصلنامه شهر ایرانی اسلامی، شماره ۱، صص ۹۲-۷۳.
- پور جعفر، محمدرضا (۱۳۸۸)، مبانی بهسازی و نوسازی بافت قدیم شهرها، چاپ اول، تهران انتشارات پیام.
- جهانشاهی، محمدحسین (۱۳۸۲)، بافت فرسوده و مسئله ساخت‌وساز شهری، مجله منظر شهری، شماره ۴.
- حبیبی، سید محسن، مقصودی، ملیحه (۱۳۸۶)، مرمت شهری، تهران، دانشگاه تهران.
- حبیبی، کیومرث، پوراحمد، احمد، مشکینی، ابوالفضل (۱۳۸۶)، بهسازی و نوسازی بافت‌های کهن شهری، نشر انتخاب، تهران.
- دانشمند، فتانه، نظریان، اصغر (۱۳۸۹)، تقویت روحیه شهروندی در مدیریت کلان‌شهرها نمونه موردی همدان، فصلنامه جغرافیایی آمایش، شماره ۸، صص ۴۹-۲۷.
- رهنما، محمدرحیم، مهرورز، اکرم، عباس زاده، غلامرضا (۱۳۹۲)، تحلیل عوامل زمینه‌ساز مدیریت مشارکتی در کلان‌شهر مشهد، فصلنامه مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال پنجم، شماره ۱۹، صص ۱۸۸-۱۶۹.
- زاهد، زاهدانی، سید سعید، زهری، بیدگلی، سید محسن (۱۳۹۱)، مدیریت شهری و تبیین مشارکت اجتماعی شهروندان در شهرداری، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی شهری، دوره دوم، شماره ۵.
- زینل زاده، ستاره، قدمی، محمد جاهد (۱۳۹۵)، تبیین و اولویت‌سنجی ابعاد تأثیرگذار جهت تحقق نوسازی مشارکتی در بافت فرسوده شهری؛ نمونه موردی محله شهید خوب بخت تهران، مجله باغ نظر، شماره ۴۳، صص ۷۶-۶۱.
- سعیدی رضوانی، هادی (۱۳۸۵)، تطور روستاهای دیروز در شهرهای امروز، گونه‌ای نوپدید از اسکان غیررسمی مورد قلعه آبکوه مشهد، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۳، پیاپی ۸۲، صص ۸۲-۶۴.
- شرفی، مرجان، برک پور، ناصر(۱۳۸۹)، گونه شناسی تکنیک‌های مشارکت شهروندان در برنامه‌ریزی شهری بر مبنای سطوح مختلف شرکت، دو فصلنامه دانشگاه هنر، شماره ۴، صص ۱۰۱-۷۷.
- شماعی، علی، پوراحمد، احمد (۱۳۸۵)، بهسازی و نوسازی شهری از دیدگاه علم جغرافیا، انتشارات دانشگاه تهران.
- ضرابی، المیرا، فرید، طهرانی، سایه (۱۳۸۸)، رویکرد مشارکت جویانه در نوسازی و بهسازی بافت‌های فرسوده شهری، فصلنامه آرمان‌شهر، شماره ۲، صص ۴۶-۳۹.
- عبداله‌پور، جمال، مختارپور، حسن، مختارپور، رجبعلی (۱۳۹۳)، مشارکت در اداره امور شهری، تجارب، آسیب‌ها و زمینه‌ها؛ مطالعه‌ی در محله‌های منطقه ۴ شهرداری تهران، فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی- فرهنگی، دوره دوم، شماره ۴، صص ۲۰۲-۱۷۵.
- غفاری، غلامرضا، جمشید زاده، ابراهیم (۱۳۹۰)، مشارکت‌های مردمی و امور شهری، بررسی مشکلات و راهکارهای توسعه مشارکت‌های مردمی، تهران، جامعه و فرهنگ.
- کشت کار، مهران، حاتمی، حمیدرضا (۱۳۹۴)، الگوی مفهومی مشارکت سازمان‌یافته مردمی برای تحقق استحکام ساخت درونی قدرت نظام، فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال هجدهم، شماره ۶۹، صص ۶۷-۳۹.
- محمدی دوست، سلیمان، خانی زاده، محمدعلی، زیلابی، شهباز (۱۳۹۵)، امکان‌سنجی به‌کارگیری اصول نوشهر گرایی در بازآفرینی پایدار محلات ناکارآمد و مسئله‌دار شهری با تأکید بر رشد هوشمند موردپژوهشی: بخش مرکزی شهر اهواز، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال ۶، شماره ۲۴، صص ۲۳۰-۲۱۵.
- مقدم آریایی، علی، ایزدی، سیده‌سمانه، تمیز، مریم (۱۳۸۷)، امکان‌سنجی تحقق رویکرد تنظیم مجدد زمین در بافت‌های فرسوده شهری نمونه موردی: قلعه آبکوه مشهد، اولین همایش بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری.
- مهندسان مشاور فرنهاد (۱۳۹۱)، طرح اعتلای کیفیت حیات شهری آبکوه،چکیده طرح، شهرداری مشهد.
- وطن‌دوست، مریم، باقری، محبوبه، بزرگوار، شیما، سعیدی، ساناز (۱۳۹۵)، ساماندهی بافت فرسوده با استفاده از رویکرد مشارکتی با تأکید بر سرمایه اجتماعی، نمونه موردی محله آبکوه مشهد، فصلنامه علوم انسانی اسلامی، شماره ۱۳، صص ۶۷-۵۳.
- AbdollahZadeh, A., Andalib, A., Majedi, H. (2014), Description of Public Participation Components in Rehabilitation and Renovation of the Deteriorated Urban area A case Study of old District, Shiraz, Iran Research Journal of Recent Sciences, Vol.3, No.9, pp.119-127.

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.29252/geores.32.4.30]

- Alpopi, C., Manole, C. (2013), Integrated Urban Regeneration Solution for Cities Revitalize, Procedia Economics and Finance, Vol. 6, pp.178-185.
- Amado, M.P., Santos, C.V., Moura, E.B., Silva, V.G. (2009), Public Participation Sustainable Urban Planning World Academy of Science, Engineering and Technology, No.53, pp. 597-603.
- Davies, A., Simon, J. (2013), The Value and role of Citizen Engagement in Social innovation, a Deliverable of the Project The Theoretical, Empirical and Policy Foundations for Building Social Innovation in Europe (TEPSIE), European Commission – 7th Framework Programme, Brussels European Commission, DG Research, 2013.
- Esmaeili, S., Zoghi, M. (2014), The Impact of Miatrix Structure of Isfahan's Jolfa Quarter on Citizens' Participation. Advances in Environmental Biology, Vol.8, No.10, pp.864-870.
- Sirisrisak, T. (2009), Conservation of Bangkok Old Town, Habitat International, Vol.33, pp.405-411.

[Downloaded from georesearch.ir on 2026-11-23]

[DOI: 10.29252/geores.32.4.30]